

به نام خدا

ناتوانی در یادگیری کودک و نوجوان

مؤلف:

راضیه تیموری زاده

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

سرشناسه: تیموری زاده، راضیه، ۱۳۷۱-
عنوان و نام پدیدآور: ناتوانی در یادگیری کودک و نوجوان / مولف راضیه تیموری زاده.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص.
شابک: ۲-۷۷۳-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸-۵۷۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص ۱۸۸ - ۱۸۰.
موضوع: ناتوانی در یادگیری - کودک و نوجوان
رده بندی کنگره: RC۴۸۸/۵
رده بندی دیویی: ۶۱۶/۸۹۱۵۶
شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۴۶۱۱۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: ناتوانی در یادگیری کودک و نوجوان
مولف: راضیه تیموری زاده
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
چاپ: مدیران
قیمت: ۵۷۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۲-۷۷۳-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸-۵۷۰۰۰۰
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



تقدیم به روح پاک ، بزرگوار خواهرم فاطمه تیموری زاده

کسی که بهترین دوست، همراه و همدم تنهایی هایم و همچو مادری صبور بود

کسی که در دوران خردسالی، زمانی که چهار ساله بودم، علاقه زیادم را به

خواندن و نوشتن مشاهده نمود

دستان کوچک و ناتوانم را در دست گرفت و به من خواندن و نوشتن یاد داد

چو معلمی دلسوز و مهربان اولین شعله های پیشرفت را در وجودم روشن کرد

در هر دوران از زندگی ام، مشوق و پشتکاری سخت برایم بود

و یادم داد قوی باشم و جز خودم به کسی تکیه نکنم

تا من توانستم با فداکاری های بزرگش به این منزلت برسم.

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
۱۴	فصل اول: اختلالات یادگیری.....
۱۵	تاریخچه.....
۱۶	تعریف اختلالات یادگیری.....
۲۱	درجه شیوع (فراوانی).....
۲۲	ویژگی های کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری.....
۲۵	ویژگی های کودکان مبتلا به ناتوانی در ریاضیات.....
۲۶	ویژگی های نوجوان دارای اختلالات یادگیری.....
۲۷	ناتوانی در خواندن (دیسلکسی).....
۲۸	ناتوانی در هجی کردن (دیس آرتوگرافیا).....
۲۸	ناتوانی در نوشتن (دیس گرافیا).....
۲۹	مشکلات متداول در نوشتن.....
۳۶	تشخیص و ارزیابی اختلالات یادگیری.....
۳۷	مراحل تشخیص ناتوانی های یادگیری.....
۳۹	طبقه بندی ناتوانی های یادگیری.....
۴۰	ناتوانی های یادگیری تحولی.....
۴۰	ناتوانی های یادگیری تحصیلی.....

- ۴۱ ناتوانی‌های یادگیری غیرکلامی
- ۴۴ علل اختلالات یادگیری
- ۴۶ ارتباط علت‌شناسی با آموزش و پرورش
- ۴۷ برنامه آموزشی کودکان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری
- ۵۱ توصیه‌هایی برای رفع مشکلات خواندن و هجی کردن
- ۵۲ توصیه‌هایی برای رفع مشکلات حساب کردن
- ۵۳ توصیه‌هایی برای رفع مشکلات نارسایی توجه
- ۵۴ توصیه‌های کلی آموزشی
- ۵۵ والدین چه اقدام‌هایی باید انجام دهند؟
- ۵۶ درمان اختلالات یادگیری
- ۵۶ درمان از نگرش ادراکی - حرکتی
- ۵۷ درمان از شیوه‌های رفتاری
- ۶۰ فصل دوم: عقب ماندگی ذهنی**
- ۶۱ کم توانی ذهنی
- ۶۲ شیوع
- ۶۲ سبب‌شناسی
- ۶۴ ویژگی‌های کودکان کم توان ذهنی
- ۶۶ اختلالات شایعی که یکی از علایم آن‌ها کم توانی ذهنی است

۶۸	اثر عقب ماندگی ذهنی بر خانواده.
۶۹	انواع کم توانی ذهنی.
۶۹	کم توانی ذهنی خفیف.
۷۰	کم توانی ذهنی متوسط.
۷۰	کم توان ذهنی شدید.
۷۱	کم توانی ذهنی عمیق.
۷۱	پیشگیری
۷۱	پیشگیری اولیه.
۷۲	پیشگیری ثانویه.
۷۲	پیشگیری ثالث.
۷۲	برخی از درمان‌ها و امکانات مورد نیاز کودکان عقب مانده ذهنی.
۷۳	والدین برای کمک به رشد فرزند خود چه باید بکنند؟
۷۸	فصل سوم: اختلالات حرکتی.
۷۹	مقدمه.
۷۹	اختلال حرکتی آتاکسی.
۸۰	اختلال حرکتی دیس تونی.
۸۱	لرزش حرکتی (Essential Tremor).
۸۲	اختلال حرکتی هانتینگتون.

- اختلال حرکتی MSA یا آتروفی سیستم چندگانه ۸۳
- اختلال حرکتی میوکلونوس ۸۴
- بیماری پارکینسون ۸۵
- فلج پیشرونده‌ی فوق هسته‌ای ۸۶
- سندرم رت ۸۷
- پارکینسونیسم ثانویه ۸۸
- هایپرتونی (اسپاستیسیتیه یا Spasticity) ۸۹
- دیس کینزی تاخیری (TD: Tardive Dyskinesia) ۸۹
- سندرم تورت (Tourette Syndrome) ۹۰
- بیماری ویلسون ۹۱
- فصل چهارم: اختلال طیف اتیسم ۹۴**
- اختلال طیف اتیسم یا درخودماندگی چیست؟ ۹۵
- چالش‌های همراه با اختلال طیف اتیسم ۱۰۰
- علائم مشترک اتیسم ۱۰۱
- علائم اتیسم در نوزادی ۱۰۲
- علائم و نشانه‌های اولیه اتیسم زیر ۱ سال ۱۰۲
- علائم و نشانه‌های اتیسم در کودک نوپا بین ۱ تا ۲ سال ۱۰۳
- علائم و نشانه‌های اتیسم در کودک خرد سال بین ۲ تا ۵ سال ۱۰۵

- ۱۰۸.....علائم و نشانه‌های اتیسم در کودکان بزرگتر و نوجوان.
- ۱۰۹.....علائم و نشانه‌های اتیسم در بزرگسالان.
- ۱۱۱.....نشانه‌های اتیسم در دختران.
- ۱۱۲.....شیوع.
- ۱۱۲.....توزیع جنسی.
- ۱۱۲.....سیر و پیش آگهی.
- ۱۱۳.....معیارهای اختلال طیف اتیسم بر اساس نظام تشخیصی DSM-5.
- ۱۱۵.....شرایط بهداشتی و پزشکی و روانی مرتبط با اختلال طیف اتیسم.
- ۱۱۶.....اختلالات و بیماری‌های همراه با اختلال طیف اتیسم.
- ۱۳۷.....تشخیص اتیسم.
- ۱۴۰.....اختلال طیف اتیسم سطح یک.
- ۱۴۱.....اختلال طیف اتیسم سطح دو.
- ۱۴۲.....اختلال طیف اتیسم سطح سه.
- ۱۴۳.....علائم مشترک در هر سه سطح اختلال طیف اتیسم.
- ۱۴۴.....علت اصلی اختلال اتیسم چیست؟
- ۱۴۶.....رویکردهای درمانی نخستین برای درمان اختلال طیف اتیسم.
- ۱۵۴.....فصل پنجم: اختلالات گفتاری.
- ۱۵۵.....آپراکسی گفتاری (AOS).

- ۱۵۷ لکنت زبان
- ۱۶۵ دیزآرتی
- ۱۶۷ اختلال لیسپ
- ۱۷۲ آفازی (زبان پریشی)
- ۱۸۰ منابع و مآخذ

پیشگفتار

هر اختلالی که در آن موفقیت تحصیلی فرد، با توجه به سن و آموزش و هوش و یا براساس آزمون‌های معیار خواندن و نوشتن و محاسبه، از آنچه انتظار می‌رود بسیار کمتر باشد، اختلال یادگیری توصیف می‌شود.

اصطلاح اختلال یادگیری، از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش‌آموزانی برخاسته است که به‌طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و در عین حال در چهارچوب سنی کودکان استثنایی نمی‌گنجد. ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و قد و وزن‌شان حاکی از بهنجار بودن آنان است. هوش آن‌ها کمابیش عادی است، به خوبی صحبت می‌کنند، مانند سایر کودکان بازی می‌کنند و مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می‌کنند. درخانه نیز یاری‌های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آنان واگذار می‌کنند به خوبی انجام می‌دهند. لیکن توانایی لازم برای به جریان‌اندازی اطلاعات برای بیان کردن و به ویژه، نوشتن را ندارند. پس با توجه به مشخصات کلی این دانش‌آموزان، می‌توان آن‌ها را در گروه جدیدی به نام دانش‌آموزان با اختلال یادگیری قرار داد و گفت این دانش‌آموزان در یک یا چند فرایند روانی که به درک کردن با استفاده از زبان شفاهی یا کتبی مربوط می‌شود، اختلال دارند که این اختلال می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود.

این اصطلاح، شرایطی چون معلولیت‌های ادراکی، آسیب دیدگی‌های مغزی، نقص جزئی در کار مغز، و خوانش‌پریشی را در بر می‌گیرد. این تعریف، آن دسته از دانش‌آموزان را که به دلیل معلولیت‌های دیداری، شنیداری یا حرکتی، همچنین عقب ماندگی ذهنی یا محرومیت‌های محیطی، فرهنگی یا اقتصادی به مشکلات یادگیری دچار شده‌اند، شامل

نمی‌شود.

ناتوانی‌های یادگیری با اصطلاح‌هایی چون خواندن جبرانی یا دیرآموزی مترادف نیست. این تعریف به‌طور ویژه از کودکان و نوجوانانی یاد می‌کند که به شدت دچار ناتوانی‌های یادگیری بخصوصی هستند. دانش‌آموزان مبتلا به این مشکل، نیازمند آموزش ویژه‌ای هستند که بنا بر نظر امز باید با تمرین‌های مخصوص، غیرمعمول و با کیفیتی غیرعادی سر و کار داشته باشند. این امر جدا از شیوه‌های آموزشی و منظمی است که اکثر کودکان از آن استفاده می‌کنند. وظیفه کارشناسان در این زمینه، این است که عهده‌دار جبران ناتوانی یادگیری به خصوص کودک به صورت آموزش انفرادی یا گروه‌های کوچک باشند.

ثابت شده‌است که علل بروز ناتوانی‌های یادگیری نسبتاً مبهم است. برخی از مشکلات کنونی درباره مفهوم ناتوانی‌های یادگیری بازتابی است از ناتوانی ما در اشاره دقیق به علل بروز ناتوانی‌های یادگیری که شاهدش هستیم. روشن است که آگاهانه یا ناآگاهانه مسئله علل بروز ناتوانی‌های یادگیری را به فراموشی و بی‌توجهی می‌سپاریم. بر حسب درک ما از ناتوانی‌های یادگیری و نگرش اولیه حرفه‌ای ما (پزشکی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیتی) نسبت به ناتوانی‌های یادگیری، ممکن است ما به علل خاصی توجه پیدا کنیم تا آن که به رابطه علی دشواری بپردازیم.

با توجه به اهمیت و لزوم تشخیص و درمان ناتوانی‌های یادگیری در کودکان و نوجوانان، این کتاب به بررسی کامل این اختلالات پرداخته است. امید است این کتاب گامی در جهت بهبود تشخیص صحیح و بهنگام و روش‌های درمانی مناسب برداشته باشد.

راضیه تیموری زاده

فصل اول: اختلالات یادگیری

تاریخچه

متأسفانه تاریخچه آموزش کودکان مبتلا به ناتوانی‌های خاص یادگیری بسیار کوتاه است. تا سال ۱۹۶۰ مشکل این کودکان تقریباً شناخته نشده بود. در این سال تلاش‌هایی وسیع آغاز شد و نظریات متفاوتی عنوان گردید، دسته‌ای ناتوانی‌های خاص یادگیری را معلول تنبلی کودکان خواندند، دسته‌ای دیگر وجود ضایعه مغزی را علت این عارضه تلقی کردند. گروهی معلولیت ادراکی و گروه دیگر اختلالات عصبی را علت ناتوانی یادگیری می‌شناختند. آشفتگی و سردرگمی موجود چندان هم بی‌علت نبود.

اصولاً شناخت کودکان مبتلا به ناتوانی‌های خاص یادگیری، مستلزم گذشت زمان بود. گذشت زمانی که موجبات به هم رسیدن علوم متفاوتی چون پزشکی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، توانبخشی و ... درگره‌گاه واحدی به نام اختلال یادگیری را فراهم کرد. در این میان پزشکی نخستین رشته‌ای بود که به تشخیص دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری توجه کرد. پس از آن روان‌شناسان به مطالعه خصوصیات این دانش‌آموزان پرداختند. با این وجود تا اوایل دهه ۱۹۶۰ کاری که در خور توجه باشد انجام نگرفته بود، به همین علت در این دهه، علمای تعلیم و تربیت نیز به جریان مذکور پیوستند و برای حل این مشکل پیشقدم گشتند.

در سال ۱۸۹۶ پزشکی انگلیسی به نام مورگان وضعیتی را گزارش کرد که آن را کوری لغات می‌نامید. حالتی که ناتوانی در خواندن کلمات از آن تعبیر می‌شد. چند سال پس از آن یعنی در سال ۱۹۲۰ این مورد جای خود را به عنوان مفهومی در مطالعات علمی باز کرد. در سال ۱۹۳۰ عصب آسیب‌شناسی به نام اُرتون^۱ رابطه میان غلبه مغز و اختلالات تکاملی زبان را مورد مطالعه قرار داد. در سال ۱۹۴۷ استراوس^۲ و لتی‌نین^۳ کتاب «آسیب‌شناسی

1. orton

2. strauss

3. Lehtinen

روانی و تربیت کودک معلول مغز» را منتشر کردند که بر پایه آن ناتوانی‌های یادگیری ناشی از ضایعات مغزی قلمداد می‌شوند.

از سال ۱۹۴۸ به بعد تلاش‌هایی شکل یافته‌تر در این زمینه آغاز شد که به طور عمده مربوط به تلاش برای کشف حدود و علل متفاوت ناتوانی‌های یادگیری بود. این تلاش‌ها ادامه یافت و به پدید آمدن گروه‌های محلی و سازمان‌های ایالتی متفاوتی انجامید که در سال ۱۹۶۳ با برگزاری یک کنفرانس ملی به رهبری ساموئل کرک^۴ در شیکاگو اقدام به ایجاد و سازماندهی یک مؤسسه ملی کردند. در همین سال کرک طی سخنانی در این کنفرانس گفت: موضوع بحث ما در این جا کودکانی هستند که یا به جهت سبب‌شناسی (برای مثال نقص کار مغز، نقص جزئی در کار مغز یا اختلال عصبی - روانی)، یا به سبب جلوه‌های رفتاریشان (برای مثال، اختلال‌های ادراکی، فعالیت‌های حرکتی بیش از حد، نارساخوانی یادیس لکسی) نامی بر آن‌ها نهاده شده است» کرک در اظهارات خود پیشنهاد کرد که برای پرهیز از معمای پیچیده کار ناقص مغز، از اصلاح «ناتوانی یادگیری» که در برگیرنده تمام افراد مورد نظر است استفاده شود.

اولیای کودکانی که به ناتوانی یادگیری مبتلا بودند و با اصطلاحات پیشنهاد شده قلبی موافقت نداشتند. این اصطلاح را شور و شوق پذیرفتند و مؤسسه کودکان ناتوان در یادگیری را تشکیل دادند. این نامگذاری مشکل به وسیله کرک و تشکیل مؤسسه کودکان ناتوان در یادگیری معمولاً به عنوان شروع اداری و رسمی حرکت در جهت برخورد با ناتوانی‌های یادگیری در نظر گرفته می‌شود (افروز و همکاران، ۱۳۹۴).

تعریف اختلالات یادگیری

اصطلاح اختلالات یادگیری از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش‌آموزانی برخاسته است که به طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و درعین حال در

⁴.kirk

چهارچوب سنتی کودکان استثنایی نمی‌گنجد.

تعاریف ناتوانی یادگیری با تغییرات متنوعی همراه بوده است این امر ممکن است به خاطر ارزشیابی و بازنگری‌های متحد و در این قلمرو و ماهیت علمی آن باشد. رشته‌های تخصصی متعددی به طور مثال پزشکی، روانشناسی، علوم تربیتی، زبان‌شناسی و عصب‌شناسی، هر کدام اصطلاحاتی را برای تبیین این اختلال دخیل کرده‌اند. برای مثال علوم تربیتی عبارت ناتوانی یادگیری خاص را به کار می‌برد، روانشناسی از مقولات همچون اختلالات ادراکی، رفتارهای فزون کنشی، نقص توجه و زبان‌شناسی از عبارات ناگویی اکتسابی، نارساخوانی و پزشکی و عصب‌شناسی از موارد ضربه مغزی، نارساکنش‌وری قلیل مغز، صدمه یا آسیب مغزی استفاده می‌کنند. (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱).

تعریف قانون آموزش و پرورش برای کودکان دارای ناتوانی یادگیری چنین است: «ناتوانی یادگیری بخصوص، یعنی اختلالی در یک یا چند فرایند روانی پایه که به درک یا استفاده از زبان شفاهی یا کتبی مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن، یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود. این اصطلاح شرایطی چون معلولیت‌های ادراکی، آسیب دیدگی‌های مغزی، نقص جزئی در کار مغز، دیس‌لکسی یا نارساخوانی و آفازیای رشدی را در بر می‌گیرد.» (جرالد و مگ لافلین، ۲۰۱۷).

انجمن مخصوص کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری تعریف دیگری را ارائه داده است، این تعریف معتقد است که ناتوانی‌های یادگیری ریشه نورولوژیک دارد و وجه تمایز این تعریف آن است که وسعت حوزه‌هایی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. وسیع‌تر می‌کند و آن را به چیزی غیر از دروس نیز گوش می‌دهد. تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری ویژه، حالتی مزمن است که منشأ نورولوژیک دارد و به صورت انتخابی در کار رشد و یا ابزار مهارت‌های کلامی و غیر کلامی دخالت می‌کند. این اختلال

ممکن است در افرادی که دارای هوش متوسط یا بالا و کسانی که سیستم‌های حسی و حرکتی‌شان به طور کافی درست کار می‌کند و اشخاصی که از فرصت‌های یادگیری به اندازه کافی استفاده می‌کنند نیز تظاهر کند. ناتوانی‌های یادگیری از نظر نوع تظاهرات و میزان رشد فرد می‌تواند متفاوت باشد. این حالت ممکن است در سراسر زندگی در عزت نفس، تحصیلات، شغل، ارتباط با دیگران و فعالیت‌های روزمره فرد، تأثیر منفی بگذارد» (دانیل پی و کافن، ۲۰۱۸).

در سال ۱۹۸۱ کمیته مشترک ملی برای ناتوانی‌های یادگیری (njlcd))، مرکب از: نمایندگان انجمن گویایی و شنوایی آمریکا، جامعه کودکان و بزرگسالان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری، شورای مخصوص ناتوانی‌های یادگیری، بخش مربوط به کودکانی که دچار اختلالات ارتباطی هستند، انجمن بین‌المللی خواندن، انجمن دیسلکی مشترکاً تعریفی ارائه داده‌اند که چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری یک اصطلاح کلی است که به علت گروهی از بی‌نظمی‌های نامتجانس به وجود می‌آید. این حالت ممکن است به صورت اشکالات مهمی در اعمالی نظیر: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال کردن یا حساب کردن تظاهر نماید. اکثر این بی‌نظمی‌ها جنبه ذاتی دارند و به نظر می‌رسد که معلول بدکاری سیستم اعصاب مرکزی باشند. حتی با وجود اینکه ناتوانی یادگیری ممکن است همراه با سایر شرایط معلولیت رخ دهد و یا تأثیرات منفی محیطی مانند تفاوت‌های فرهنگی، آموزش نامناسب و کافی را در برداشته باشد.» (دانیل پی و کافن، ۲۰۱۸).

تعریف دیگری که در این جا ارائه می‌شود به نقل از کنگره آمریکا طبق قانون عمومی ۱۴۲-۹۴ است، تعریف چنین است:

«ناتوانی‌های یادگیری به معنای وجود اختلالی در یک یا چند فرآیند روان‌شناختی پایه بوده که به فهم یا استفاده از زبان نوشتاری و یا گفتاری مربوط می‌شود و می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن و هجی

کردن یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود. «(ایلوارد و براون، ۲۰۱۷).

تعریف دیگری که بیت من ارائه داد که یک بعد تازه و مهم به آن اضافه می‌کرد، او قید اختلاف را نیز در تعریف گنجانده که عبارت بود از اختلاف بین ظرفیت تخمین‌زده شده و پیشرفت مشاهده شده، تعریف چنین است:

«کودکان که دارای اختلال در یادگیری هستند کسانی‌اند که از نظر آموزشی اختلاف فاحشی بین توانایی‌های عقلی بالقوه تخمین‌زده شده آن‌ها و سطح عملکرد واقعی حاصل از اختلال‌های اساسی در فرآیند یادگیری آن‌ها وجود دارد که ممکن است همراه با اختلال قابل مشاهده‌ای در کارکرد دستگاه عصبی مرکزی باشد یا نباشد و وابسته به عقب‌ماندگی ذهنی تعمیم یافت، محرومیت‌های تحصیلی یا فرهنگی، پریشانی‌های هیجانی شدید، یا از دست دادن حواس نیستند.»

این تعریف که به تعریف nachc معروف است بر خلاف تعریف‌های پیشین مشخص می‌کند که تعیین اختلال کارکرد دستگاه عصبی مرکزی اختیاری بوده و برای تشخیص یک کودک دارای اختلالات یادگیری الزامی است. (ایلوارد و براون، ۲۰۱۷).

تعریف دیگری که در اینجا ارائه می‌شود تعریفی است که کمیته مشاوره ملی کودکان معلول در گزارشی به کنگره، برای ناتوانی‌های یادگیری پیشنهاد نمود و در آخر هم ۵ مسأله را در این تعریف مورد توجه قرار داد. تعریف چنین است:

«کودکان دارای ناتوانی‌های ویژه یادگیری که در یکی یا بیشتر فرایندهای روانشناختی مربوط به درک یا استفاده از زبان گفتاری یا نوشتاری از خود نابهنجاری نشان می‌دهند. این نابهنجاری ممکن است در گوش دادن، تفکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا حساب کردن خودنمایی کند. این نابهنجاری شرایطی مانند معلولیت ادراکی، آسیب مغزی، ناکارایی حداقل مغزی، بدخوانی، اختلال تکلمی تکوینی و نظایر آن بازتاب یابد. در این لیست ناتوانی‌های یادگیری مربوط به بینایی، شنوایی، معلولیت‌های حرکتی، عقب‌ماندگی ذهنی، اضطراب عاطفی یا کمبودهای محیطی مورد نظر نمی‌باشد.» در این

تعریف ۵ مسأله مورد توجه بوده است:

۱- ناتوانی در انجام تکالیف مدرسه: ناتوانی در یادگیری مهارت‌های تحصیلی به عنوان تجلی اصلی ناتوانی‌های یادگیری شناخته شده‌اند.

۲- عوامل استثنایی: از این تعریف عواملی بخصوص مانند مشکلات جسمانی، نقص حسی، تدریس ضعیف، عوامل فرهنگی محیطی و عقب‌افتادگی ذهنی مستثنی شده‌اند. کودکان درگیر این عوامل استثنایی علاوه بر مورد مبتلا به خود ناتوانی‌های یادگیری نیز از خود نشان می‌دهند و همین امر موجب تناقض و سردرگمی می‌شود.

۳- وابسته‌های فیزیولوژیکی: در این تعریف از عملکرد سیستم مرکزی عصبی مقداری انحراف وجود دارد.

۴- اختلاف در عمل: شاخص اصلی ناتوانی در یادگیری تفاوت موجود بین عملکرد تحصیلی مورد انتظار کودک بر مبنای هوش و پیشرفت موجود او می‌باشد.

۵- وابسته‌های روانشناسی: نابهنجاری در یکی یا بیشتر فرایندهای اصلی روانشناسی به عدم موفقیت در یادگیری می‌انجامد (دورکین، صالحی، ۱۳۹۶). «کودکان ناتوان در یادگیری در یک یا چند فرایند اساسی روانی در ارتباط با فهمیدن یا کاربرد زبان شفاهی یا کتبی ناتوانی نشان می‌دهند. تظاهرات این ناتوانی ممکن است به صورت اختلال در گوش دادن، فکر کردن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا حساب باشد.» (کریمی، ۱۳۸۰).

تا اینجا تعریف‌های زیادی ارائه شد. ارائه‌دهندگان این تعریف‌ها و سایر دست اندرکاران این رشته، هدف مشابهی را دنبال می‌کنند. بدین معنی که همه می‌کوشند ناتوانی یادگیری را به گونه‌ای تعریف کنند که در ارائه خدمات لازم به این مبتلایان به کار آید. در همه این تعریف‌ها چهار بعد اساسی دیده می‌شود:

➤ تفاوت میان عملکرد مورد انتظار و عملکرد واقعی یک کودک.